

مجموعه پژوهشهای ایرانی‌باستان

تحلیل ساختاری فعل در زبان سندی

پدرا فرمان قریب



مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی
مرکز پژوهش‌های ایرانی‌باستان

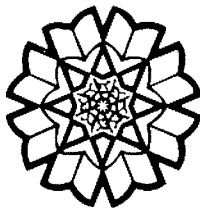
تهران، ۱۳۹۷

تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی

مجموعه پژوهشهای ایران باستان

تحلیل ساختاری فعل در زبان سُغدی

بدر الزمان قریب



مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
(مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)

تهران، ۱۳۹۷

قریب، بدرالزمان، ۱۳۰۸-

تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی / بدرالزمان قریب. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)، ۱۳۹۷.

XVIII, [276] ص. (مجموعه پژوهشهای ایران باستان؛ ۱۵)

پایان نامه دکتري - دانشگاه پنسیلوانیا، ۱۹۶۵.

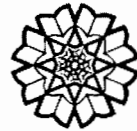
۱. زبان سغدی - دستور. ۲. زبان سغدی - فعل.

الف. عنوان

PIR ۲۱۷۵/ G4

۴۱۳/۹۱۵۳

محل نگهداری



مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی
دائرة المعارف بزرگ اسلامی

نام کتاب: تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی / بدرالزمان قریب.

ناشر: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی).

تصویر ویرا: بهاره بادافراس - مهسا مهرانی.

صفحه آرایي: بهاره بادافراس.

لیتوگرافی، چاپ: شادرنگ

صحافی: معین

چاپ اول: تهران ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

همه حقوق این اثر متعلق به مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۲۶-۹۴-۸

(مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی) است. شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۲۵-۹۴-۲

نشانی: تهران، نیاوران، کاشانک، صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۱۹۷

تلفن: ۲۲۲۹۷۶۲۶ دورنگار: ۲۲۲۹۷۶۶۳

پست الکترونیک: centre@cgie.org.ir

www.cgie.org.ir

مجموعه پژوهشهای ایران باستان

زیر نظر

سید کاظم موسوی بجنوردی

مدیر و ویراستار

حسن رضائی باغبیدی

هیأت تحریریه

گارنیک آساطوریان (دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان)

ژاله آموزگار (دانشگاه تهران، ایران)

عبدالمجید ارفعی (تهران، ایران)

ماریا بروسیوس (دانشگاه نیوکاسل، انگلستان)

دانیل پاتس (دانشگاه سیدنی، استرالیا)

آنتونیو پانائینو (دانشگاه بولونیا، ایتالیا)

آدریانو رسی (مؤسسه شرق شناسی ناپل، ایتالیا)

حسن رضائی باغبیدی (دانشگاه تهران، ایران)

نیکلاس سیمز-ویلیامز (دانشگاه لندن، انگلستان)

آلبرتو کانترا گلرا (دانشگاه سالامانکا، اسپانیا)

رابین کانینگهام (دانشگاه بردفورد، انگلستان)

فیلیپ کرینبروک (دانشگاه گوتینگن، آلمان)

ریکا گیزلن (مرکز ملی پژوهشهای علمی، فرانسه)

النا مالچانوا (فرهنگستان علوم، روسیه)

راجر متیوس (کالج دانشگاهی لندن، انگلستان)

فتح الله مجتبائی (دانشگاه تهران، ایران)

آنتیه ونتلند (دانشگاه گوتینگن، آلمان)

فریدون وهمن (دانشگاه کپنهاگ، دانمارک)

جوزف ویزهوفر (دانشگاه کیل، آلمان)

یادداشت

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی) مفتخر است که پانزدهمین جلد از مجموعه پژوهشهای ایران باستان را به جامعه علمی کشور و پژوهشگران عرصه ایران‌شناسی در سراسر جهان تقدیم می‌کند. آثاری که در این مجموعه به زبانهای مختلف منتشر خواهد شد، آخرین دستاوردهای علمی را در همه زمینه‌های مربوط به ایران باستان (تاریخ، باستان‌شناسی، هنر، ادبیات، اساطیر، ادیان و زبان‌ها، دست‌نوشته‌ها، کتیبه‌ها و...) در اختیار دانش‌پژوهان قرار خواهد داد و برگ زرین دیگری خواهد بود بر فرهنگ کهن این مرز و بوم.

پانزدهمین شماره از این مجموعه، «تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی» تألیف استاد گرانمایه دکتر بدرالزمان قریب است. این کتاب رساله دکتری استاد قریب به راهنمایی خاورشناس نامدار پرفسور والتر هنینگ در دانشگاه کالیفرنیا بوده است و در سال ۱۳۴۰ شمسی دفاع شده است. انتشار این شماره سبب افتخار و خرسندی بسیار است. زیرا اثری ارزشمند از ایران‌شناسی گرانسنگ برای خوانندگان و پژوهشگران گرامی ارائه می‌شود. همچنین پاسداشت و بزرگداشت بانویی دانشمند و ایران‌دوست است برای سالیان دراز همکاری علمی و مسئولانه با این مرکز.

دکتر بدرالزمان قریب در ۱۳۰۸ش در تهران در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمد. ایشان استاد برجسته دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب پارسی و عضو شورای علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دیگر مجامع علمی جهانی است. این دانشمند فرزانه زندگی خود را در خدمت به فرهنگ و زبان‌های ایران باستان، به ویژه زبان سغدی و گسترش زبان فارسی گذرانیده است.

دکتر بدرالزمان قریب به راستی یکی از قله‌های بلند تاریخ و فرهنگ ایران است. نام او در کنار اندیشمندان بزرگ ایرانی جاودان خواهد ماند. دیر زید و تندرست و شاد.

کاظم موسوی بجنوردی

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

(مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)

پیشگفتار

این رساله چکیده‌ای از تجربه‌های علمی است که نگارنده در مدت هفت سال اقامت در امریکا به دست آوردم، زمانی که پس از دریافت مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، پذیرش ورود به دوره دکتری را گرفتم و از دروس پر بار استادان آن استفاده بردم و تصمیم گرفتم که از ادبیات باستانی و میانه ایرانی بیشتر بدانم - به‌ویژه که متون جدیدی به زبان‌های ایرانی کمتر شناخته شده، مانند زبان سغدی، کشف شده بود (و استادان خارجی به خواندن آن می‌پرداختند). رفتن به دانشگاه خارجی نیاز به یک یا دو زبان خارجی داشت. با داشتن دیپلم از دبیرستان منوچهری (ژاندارک) با زبان فرانسه آشنا بودم و زبان انگلیسی را نیز کم‌وبیش خوانده بودم. با این مقدمه در امتحانی برای پذیرش دانشجو در دوره فوق‌لیسانس دانشگاه‌های امریکا شرکت کردم و از دانشگاه پنسیلوانیا بورسی برای دو سال تحصیل گرفتم - دانشگاه پنسیلوانیا دو رشته شرق‌شناسی داشت: مطالعات هندی که بیشتر زبان سنسکریت و متون منشعب از آن را شامل می‌شد و مطالعات زبان‌های خاورمیانه کهن که شامل زبان اکدی و زبان‌های هم‌رشته آن بود. مطالعات ایرانی بیشتر پیوسته به رشته هندی بود. پرفسور کنت سال‌ها در آنجا زبان‌های باستانی ایرانی به‌ویژه فارسی باستان تدریس کرده بود. کتاب معروف فارسی باستان او را در ایران به دست آورده بودم. متأسفانه دو سال پیش از رفتن من، فوت کرده بود و پرفسور مارک درسدن به جای او از اروپا آمده بود. تخصص او بیشتر در زبان‌های ایرانی میانه شرقی به‌ویژه ختنی و سغدی بود (متونی که آن قرن کشف شده بود)، در متون ایرانی میانه غربی

به‌ویژه متون پهلوی نیز کار کرده بود. از آن زمان پرفسور درسدن استاد راهنمای من شد و توانستم با گذراندن واحدهای دروس زبان‌های ایرانی باستان و میانه، یک درس مقدمات سنسکریت (از سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰) را بگذرانم و در کلاس زبان‌شناسی هندواروپایی به‌صورت مستمع‌آزاد شرکت کنم و در ۱۹۶۰ موفق شدم مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کنم.

سال سوم اقامتم در امریکا، پرفسور درسدن مرخصی مطالعاتی داشت و می‌خواست به هندوستان برود (برای مطالعه و پژوهش در نسخه‌های متن پهلوی دینکرت). ضمناً در تابستان همان سال از دانشگاه میشیگان برای تدریس یک دورهٔ تابستانی «زبان‌های ایرانی» دعوت داشت. او به من پیشنهاد داد که برای همکاری در بخش زبان و ادبیات فارسی با وی به میشیگان بروم، من هم پذیرفتم.

در دانشگاه میشیگان با استادان دیگری از ایران‌شناسی آشنا شدم مانند پرفسور جرج کامرون متخصص تاریخ و زبان‌های باستان خاور نزدیک (اکدی و ایلامی). گروه ایران‌شناسی برای اجرای برنامه‌ای نیاز به یک مترجم فارسی داشت. به من پیشنهاد شد که با پذیرفتن آن می‌توانم یک سال در آن دانشگاه همراه با هزینهٔ اقامت در خوابگاه دانشجویان، چهار واحد زبان‌شناسی بخوانم و فوق‌لیسانس بگیرم. استادم درسدن این پیشنهاد را پسندید و اهمیت دانش زبان‌شناسی را برای فهم ساختار زبان‌های باستانی گوشزد کرد.

پرفسور کامرون نیز به من گفت: «امسال کلاسی ندارم اما می‌توانی به دفترم بیایی و کپی‌های کتیبهٔ بیستون را که خود گرفته‌ام ببینی و دربارهٔ آن صحبت کنیم. در سال ۱۹۶۰ در دانشگاه میشیگان توانستم دو واحد آواشناسی و دو واحد واج‌شناسی بگذرانم و در یک کلاس زبان‌شناسی هندواروپایی نیز شرکت کنم و با یک سخنرانی ۲ واحد آن را کسب کنم.

در سال چهارم اقامتم در امریکا شنیدم که پرفسور هنینگ به‌علت کسالت تصمیم دارد از دانشگاه لندن به دانشگاه برکلی کالیفرنیا منتقل شود. هم‌زمان پرفسور درسدن اطلاع داده بود که پژوهش او تکمیل نشده و چند ماه دیگر در هند خواهد ماند.

من نمی‌توانستم فرصت بهره‌گیری از دانش استادی چون هنینگ را از دست بدهم.

مدارکم را به دانشگاه برکلی فرستادم و به آنجا رفتم. مدت دو سال تعدادی از متون ایرانی باستان و میانه را زیر نظر موشکافانهٔ پرفسور هنینگ خواندم.

تمرکز بیشتر روی متون سغدی بود که خود چندگونه بود: بودایی، مانوی، مسیحی و متون غیردینی (هرکدام با خطی متفاوت و محتوایی مختلف). به توصیهٔ هنینگ یک مقالهٔ پژوهشی نیز دربارهٔ جمله‌های فارسی باستان نوشتم.

به پیشنهاد هنینگ در کلاس متون ودایی که استاد آن پرفسور /منو (استاد سنسکریت) بود و نیز کلاس زبان‌شناسی هندواروپایی به راهنمایی پرفسور بیلر شرکت کردم. در پایان سال دوم اقامتم در برکلی ۱۹۶۳ امتحان جامع دکتری را گذراندم و با پرفسور درسدن تماس گرفتم. او مرا تشویق کرد تا پایان‌نامهٔ دکتری را با راهنمایی خودش بنویسم (با اختیار گزینش موضوع به سلیقهٔ خودم). من می‌خواستم در ساختار دستوری زبان سغدی پژوهش کنم و در آن میان ساختار فعل سغدی را برگزیدم.

دو سال دیگر در دانشگاه پنسیلوانیا گذراندم تا پایان‌نامهٔ دکتری را بنویسم و در ۱۹۶۵ موفق شدم مدرک دکتری را اخذ کنم.

فهرست مطالب

صفحه	بخش نخست - مقدمه
۱۰	۱. زبان سغدی
۲	۲. منابع (کشور سغد) = سغدیانه
۲	a: منابع فارسی باستان
۳	b: منابع اوستایی
۴	c: منابع یونانی
۵	d: منابع ساسانی
۷	e: منابع چینی
۸	f: منابع اسلامی
	۳. تاریخ سیاسی سغدیانه
۹	a: زمان هخامنشی
۹	b: بعد از اسکندر
۱۰	c: زمان (قوم) یوچی / یئوچی
۱۱	d: زمان ساسانی
۱۲	e: زمان هفتالیته‌ها (هیاطله)
۱۳	f: زمان ترکان
۱۵	g: زمان اسلامی
۱۶	۴. مهاجرنشینان سغدی در ترکستان شرقی و چین

۱۶	Tun Huang	a. تون هوانگ / دون هوانگ
۱۹	Lob mor	b. لُب نُر
۱۹	Khumdān	c. خومدان
۲۰	Lo-yang	d. لویانگ
۲۰	Karabal gasan	e. کارابل گسون
۲۱	Ladach	f. لادخ / لَدَخ
۲۱	Summary	g. خلاصه
۲۲		۵. منابع زبان سغدی
۲۳		a. منابع بودایی
۲۸		b. منابع مانوی
۳۱		c. منابع مسیحی
۳۴		d. نامه‌های باستانی سغدی = (نامه‌های کهن)
۳۶		e. مدارک تاجیکستان (کوه مُغ ...)

II. تحلیل ساختار فعل در زبان سغدی

I. نکته‌های مقدماتی

۴۰. ۱. خطوط سغدی و توصیف آنها
۴۵. ۲. ساختار آوایی (آوانویسی واکه‌ها و همخوان‌ها)
۵۱. a. ساختار واکه‌ها = (مصوت‌ها)
۶۰. b. ساختار همخوان‌ها = (صامت‌ها)
۶۴. c. حرف‌نوشت واکه‌ها و همخوان‌ها
۶۶. جدول آوانویسی (همراه با یادداشت‌ها)

II نظام فعلی

۷۰. A. ستاک‌های فعلی (ستاک = ماده)
۷۰. a. ستاک‌های مضارع (مضارع = حال)

فهرست مطالب

۷۵	۱. ستاک‌های آغازی و میانه - مجهولی
۷۵	۲. ستاک‌های مجهولی
۷۷	۳. ستاک‌های سببی
۸۳	b. ستاک‌های ماضی (گذشته)
۸۳	۱. تحلیل تاریخی
۸۴	۲. تحلیل توصیفی
۸۵	۳. جدول دگرگونی‌های همخوانی (صامتی) میان ستاک حال و ستاک گذشته
۸۶	۴. خوشه‌های همخوانی - $t\beta$ - و - λt -
۸۸	C. رده‌بندی و جداول تقسیم گروه‌ها:
۱۴۰	B. ساختارهای محدود بر پایهٔ ستاک حال (مادهٔ مضارع)
۱۴۰	a. اخباری
۱۴۵	b. التزامی
۱۴۹	c. دعایی
۱۵۴	d. امری
۱۵۸	e. ماضی غیرتام
۱۶۵	f. شرطی
۱۶۷	C. زمان‌های مرکب بر پایهٔ ستاک حال (زمان = وجوه) ؟ (مادهٔ مضارع)
۱۶۷	a. استمراری
۱۷۴	b. مستقبل (آینده)
۱۷۹	c. ماضی ساخته‌شده با z - ($z\bar{a}$)
۱۸۲	d. نامحقق
۱۸۳	e. دعایی
۱۸۴	D. ساختارهای محدود بر پایهٔ ستاک گذشته (ماده ماضی)

- ۱۸۶ a. گروه 1A1: گذرا (= معلوم): گذشته گذرا: ماضی متعدی
- ۱۹۴ گروه 1A2: ناگذر (= مجهول) گذشته ناگذر: ماضی لازم
- ۱۹۰ گروه 2A: ماضی نقلی (گذشته نقلی)
- ۲۰۰ گروه 1B: امکانی (= توانشی)
- ۲۰۸ گروه 2B: ترکیبات مجهولی

مقدمه

مرکز و خاستگاه قوم سغد در دره زرافشان و واحه‌های پنجیکند و سمرقند بود که از آنجا به شرق و غرب سرزمین میان دو رود جیحون و سیحون پراکنده شدند و واحه‌های بخارا، فرغانه و چاچ (تاشکند) را اشغال کردند؛ از سمیراشیه (قرقیزستان کنونی) گذشتند و در سین کیان (ترکستان چین) و مغولستان مهاجرنشینانی تشکیل دادند و تجار آنها در شهرهای بزرگ چین مستقر شدند.

سغد از ایالت‌های هخامنشیان بود و پس از لشکرکشی اسکندر مقدونی و مقاومت و دفاع سردار بزرگشان «سپیتامنس» به دست یونانیان افتاد. حمله اسکندر به سغد و غارت سمرقند موجب نخستین مهاجرت سغدی‌ها به سوی مرزهای چین شد. سغدی‌های بازمانده دولت‌شهرهایی تشکیل دادند و خیلی زود از سلوکیان جدا شدند و استقلال یافتند.

از مقایسه مطالبی که مآخذ هخامنشی، یونانی، ساسانی، چینی و اسلامی درباره سغد گفته‌اند، می‌توان گستره جغرافیای آن را تا حدودی مشخص کرد. بیشک مرکز فرهنگی و سیاسی سغد سمرقند بوده که یکی از مراکز بزرگ تجاری جاده ابریشم نیز به شمار می‌رفته است. از این پایگاه، سغدیانی که انحصار تجارت ابریشم را در مسیر شرقی داشتند، همراه با دولت‌شهرهای دیگر سغدی، نظیر تاشکند، فرغانه، پنجیکند، بخارا و کش به کمک نیروهای انتظامی قدرت‌های زمان، بر ثبات و امنیت این راه کاروانی و پرخطر نظارت می‌کردند.

فرض بر این است که شهرهای بزرگ سغدینشین، هنگامی که با دولت‌های بزرگ وقت، مثل اشکانیان، کوشانیان، ساسانیان و امپراتوری چین درگیر نبودند، استقلال

داخلی خود را به‌ویژه در مسائل اقتصادی و فرهنگی حفظ می‌کردند، و باوجود آنکه گاه مورد تهاجم اقوام بیابانگرد چون یئوچی‌ها، سکاها، هفتالیت‌ها و ترکان قرار می‌گرفتند، آن اقوام را در فرهنگ خود جذب می‌کردند. تجارت با چین و دنیای غرب آسیا و ارتباط فرهنگی بین این دو قطب بزرگ فرهنگی دنیای قدیم تمدن آنان را رونق بخشید؛ سمرقند آبادترین و ثروتمندترین شهر آسیای مرکزی و زبان سغدی زبان ارتباطی یا زبان میانجی (Lingua franca) جاده ابریشم^۱ شد.

این وضع از نخستین سال‌های گشایش جاده ابریشم که هم‌زمان با سلسله «هان» در چین و فرمانروایی یئوچی‌های در سغد و بلخ بود، یعنی از قرن دوم پیش از میلاد تا سده هشتم یا نهم میلادی ادامه داشت، و سغدی‌ها در بازرگانی میان شرق و غرب آسیا دست بالا را داشتند.

در سال ۱۹۰۴ میلادی، دو سال پس از اعزام نخستین هیأت اکتشافی آلمان در آسیای مرکزی، فریدریش مولر (F.W.K. Mueller) مأمور رسیدگی به مدارک و نسخه‌های بازیافته از تورفان (در ترکستان چین آن روز و ایالت شین‌جیان/ سین کیانگ امروز) شد. در میان آن گنجینه، او قطعه کوچکی را متعلق به یک زبان ناشناخته ایرانی تشخیص داد. آندره‌آس (F.C. Andreas) براساس شواهد تاریخی و کشفیات پیشین نشان داد که آن زبان تا آن روز ناشناخته زبان سغدی است.

بیش از یک قرن از این واقعه می‌گذرد. در طی این مدت مدارک بسیاری به زبان سغدی پیدا گشت. خط ناشناخته آن خوانده شد و متون آن ترجمه گردید. از پنجاه سال پیش، به مدارک بازیافته از چین، مدارک تاجیکستان یا زادگاه اصلی قوم سغد افزوده گشت و کوشش دانشمندان در کشف راز این اسناد به تنوع ادبیات سغدی افزود. شن‌های سوزان ترکستان چین در ناحیه تورفان کتابخانه نه قرن پنهان‌مانده یکی از غارهای هزاربودا در دون هوان (تون هوانگ) چین، خرابه‌های دژی در کوه مغ

۱. اصطلاح یا نام جاده ابریشم را اولین بار فردیناند فون ریشتوفن (Ferdinand von Richthofen ۱۸۳۳-۱۹۰۵م)، جغرافی‌دان آلمانی در میانه قرن نوزدهم به کار بُرد. ظاهراً سبب این نام‌گذاری تجارت ابریشم به‌عنوان معروف‌ترین، سبک‌ترین و گران‌بهترین کالایی بوده که طی ده‌ها قرن از طریق این جاده از چین به غرب می‌رفته است (به‌نقل از *دانشنامه جهان اسلام*، ۲۲۲/۹) [ناشر].

نزدیک شهر کهنه پنجیکند تاجیکستان و ویرانه یکی از برج‌های دیده‌بانی دیوار بزرگ چین، گنجینه ادبیات سغدی را بیش از چند قرن در سینه خود به امانت نگه داشتند و راز قوم شهرنشین، بازرگان، فرهنگ‌دوست، هنرمند و مبلغ دین و دانش سغد را در مقابل دیدگان حیرت‌زده دانشمندان و پژوهشگران قرن بیستم بازگشودند. به این مدارک که پس از کشف، رهسپار کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ چهار شهر اروپا، پاریس، لندن، برلین و لنینگراد شدند، باید کتیبه‌های مکشوف در مغولستان، دیوارنوشته‌های شهر قدیمی افراسیاب نزدیک سمرقند در ازبکستان و سنگ‌نوشته‌های نویافته دره چیترا در شمال پاکستان را نیز اضافه کرد، تا دامنه گسترش فعالیت مدنی و فرهنگی این قوم کهن ایرانی و نقش آن در اشاعه و انتقال فرهنگ، هنر و کالا نشان داده شود.

این مدارک سغدی همراه با یافته‌های باستان‌شناسی و داده‌های تاریخی (ایرانی باستان و میانه، یونانی، چینی و اسلامی) نشان می‌دهند که قوم سغد که حدود هزاره دوم قبل از میلاد در نواحی سمرقند و دره زرافشان ساکن بود، در هزاره اول پیش از میلاد به قسمت بزرگی از جلگه میان دو رود سیردریا و آمودریا (ماوراءالنهر) دست یافت و در جوار اقوام هم‌نژاد خویش یعنی قوم سکایی، بلخی و خوارزمی مستقر گشت و از سده ششم تا چهارم پیش از میلاد تابع هخامنشیان بود، با فروپاشی امپراتوری و هجوم لشکریان اسکندر و غارت شهر سمرقند (مرکند باستانی) تعداد زیادی از آن قوم به سوی شرق و مرزهای چین مهاجرت کردند و در مسیر جاده ابریشم مهاجرنشینانی تشکیل دادند.

آن گروه از سغدیانی که در زادگاه خود ماندند، بعد از دوره کوتاهی، از سلطه سلوکیان بیرون آمدند و دولت شهرهای کوچکی برپا نمودند که گاه زیر سلطه کشورهای نیرومند زمان و گاه در معرض تهاجم اقوام کوچ‌نشین قرار می‌گرفتند، اما توانستند در هر دو مورد، و در طول چندین قرن، نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود را حفظ کنند.

در منابع چینی نام یئوچی‌ها از سال ۱۷۵ ق م دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که در حدود سال‌های ۱۶۰ تا ۱۵۰ ق م یئوچی‌ها از چین به سوی غرب یعنی مرزهای فرغانه و

سغد حرکت کرده و شاید خاک سغد را کمی قبل از ۱۴۰ ق م تسخیر نموده باشند. در زمان فرمانروایی یئوچی‌ها که با دولت‌شهرهای محلی آمیخته و رنگ کاملاً سغدی گرفته بودند، ژنرالی چینی به نمایندگی از طرف امپراتور چین به نام وُتی (Wuti) از سلسله هان به طرف مرزهای دوردست غرب گسیل شد. شاید این رویداد در سال ۱۳۰ ق م واقع شده باشد.

این ژنرال به قصد درخواست کمک از یئوچی‌ها علیه قوم وحشی زردپوست هزیونگ (هسیونگ)، که خطر بزرگی در مرزهای شمال غربی چین ایجاد کرده بودند، به سفارت اعزام شد. ژنرال چینی، بعد از ماجرای طولانی در بیابان‌های آسیای مرکزی و سال‌ها اسارت در دست اقوام دشمن، به ماوراءالنهر رسید و در آنجا با تمدنی آمیخته از عناصر ایرانی و یونانی آشنا شد. یئوچی‌ها بعد از اقامت در این سرزمین وارث فرهنگ غنی ایرانی‌یونانی شده بودند. درباره یئوچی‌ها مطالب بسیار نوشته شده است. به عقیده بعضی از دانشمندان یئوچی‌ها یکی از اقوام سکایی و بنابراین ایرانی‌تبار بوده‌اند، ولی به عقیده برخی دیگر، آنها بازمانده اقوام هندواروپایی آسیای مرکزی بودند که به زبان هندواروپایی شاخه کنتوم سخن می‌گفتند و زبان‌شناسان قرن بیستم این زبان را تخاری خوانده‌اند. در هر حال، یکی از اقوام وابسته به یئوچی‌ها پادشاهی بزرگی به نام کوشانیان در ناحیه جنوب قلمرو خویش برقرار کرده و دین بودا را پذیرفته بود. این امپراتوری که شمال پاکستان و جنوب افغانستان را در برمی‌گرفت، در زمان پادشاهان قدرتمند خود چون کانیشکا به شمال شبه‌قاره هند و تمام افغانستان گسترش یافته و مرزهای اشکانیان را در ماوراءالنهر تهدید می‌کرد.

اگرچه فرستاده امپراتور چین در انجام مأموریت خود موفق نشد، زیرا یئوچی‌ها که سرزمین آباد و خرمی یافته بودند، دیگر قصد بازگشت به سوی شرق و درگیری با وحشیان زردپوست را نداشتند، اما ژنرال چینی اطلاعات گران‌بهایی از فرهنگ مردم غرب به چین ارمغان آورد. چین برای دستیابی به اسب‌های سغدی تایوآن (Ta-yüan) چند هیئت سیاسی فرستاد و به علت عدم موفقیت اقدام به لشکرکشی کرد. در مقابل این تجاوز، سغد از کشورهای متحد همسایه یاری خواست و چین در اولین عملیات با تعداد سی‌هزار سپاه شکست خورد، اما در لشکرکشی دوم با تعداد دو برابر سپاه موفق

شد سغد را محاصره کند. فرماندار سغد راضی به قرارداد صلح شد که طبق آن سپاهیان چینی، بدون ورود به پایتخت، خاک سغد را ترک کردند و سغدیان در عوض سی رأس اسب اصیل و سه هزار رأس اسب معمولی به هیئت چینی دادند. این رویداد حدود سال ۱۰۱ ق م اتفاق افتاد. سغدی‌ها بعد از این واقعه با چین روابط دوستانه برقرار کردند.

از این رو، در سالنامه‌های سلسله هان مطالب جالبی درباره سغد و شهرهای ماوراءالنهر می‌توان یافت، از جمله، نوشته شده است: «از فرغانه تا مرز پارت مردم به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، ولی کلام هم را می‌فهمند». به نظر می‌رسد که در آن زمان ترکستان غربی از نظر زبانی واحدی کاملاً ایرانی‌زبان بوده است و اقوام ترک هنوز بدان‌جا راه نیافته بودند. همچنین، اطلاعاتی که منابع چینی راجع به حکومت سغد می‌دهند قابل توجه است. بنا به روایت چینی‌ها، امور کشوری در شورایی توسط بزرگ‌تران یا پیران تصمیم‌گیری می‌شد و یک فرمانروا کارهای اجرایی را در دست داشت.

سفر ژنرال چینی و لشکرکشی چینیان^۱ افق دوردست غرب را گشود و چین خریداران جدیدی برای کالاهای خویش یافت. این واقعه به رونق جاده ابریشم کمک کرد و اولین کاروان چین به سرحدات خراسان رسید. همچنین، تصور می‌شود سفیرانی که در دوره هان از آسیای مرکزی به چین رفتند، احتمالاً بازرگانان سغدی بودند که برای تقدیم هدایای خویش و جست‌وجوی بازاری برای کالاهای غرب به دربار امپراتور چین گسیل شده بودند. می‌توان به یقین گفت که هم‌زمان با استقرار روابط سیاسی چین با دولت‌های مرز غربی‌اش، دو جریان اقتصادی فرهنگی از شرق به غرب و از غرب به شرق پدیدار گشت. از شرق ابریشم چینی به سوی غرب و از غرب دین بودایی و هنر ایرانی‌یونانی به خاک چین راه یافت. البته نباید فراموش کرد که مهاجرنشینان سغدی در طول راه ابریشم محرک و محافظ عمده این دو جریان تاریخی بودند. به عقیده سر اورل استین، دامنه غربی دیوار چین برای نگهداری همین راه حیاتی احداث شد. ژنرال چینی درباره شکوفایی دو کشور بلخ و سغد و شهرهای آباد و حصار دور شهر و بازارهای بزرگ و بازرگانی پررونق این دو سرزمین گفته‌های شنیدنی دارد. بنابر مأخذ هان شو (Han-shu)، این وضع احتمالاً تا اوایل قرن نخست میلادی ادامه

داشت. مدارک باستان‌شناسی نیز وجود کانال‌کشی‌های طویل برای آبرسانی به شهرها و آبیاری کشتزارها را تأیید می‌کند. سکه‌های یافت‌شده در درهٔ زرافشان از نوع درهم آتونیکوس با سر اسب در پشت سکه است.

از سرنوشت سغد بعد از دوره یئوچی‌ها، که احتمالاً نیروی برتر ماوراءالنهر در قرن دوم و اول قم بودند، جز از راه سکه‌ها و اخبار مآخذ چینی، مدرکی در دست نداریم. شکی نیست که در این دوره، سغدیان در اتخاذ خط خود از خط اشکانیان و دین بودا از کوشانیان بهره گرفتند، اما از نظر سیاسی اشکانیان به صورت گسترده و دائم در سغد فرمانروایی نکرده‌اند، در صورتی که پادشاهان کوشان، مخصوصاً فرمانروایان قدرتمند آن خاندان، قلمرو خود را تا مرز جیحون گسترده بودند و احتمال می‌رود که در زمان کانیشکا، کاشغر، سغد و فرغانه زیر سلطهٔ کوشانیان درآمده باشد. اگرچه دین بودا با سیاست بوداگرایی کانیشکا، قسمت بزرگی از شمال هند و بیشتر خاک افغانستان را فرا گرفت و از مرز جیحون گذشت و در میان دولت‌شهرهای ثروتمند سغدی طرفدارانی پیدا کرد، از آنجا که کوشانیان و اشکانیان کم‌وبیش از سیاست آزادی دینی هخامنشیان پیروی می‌کردند، بعید به نظر می‌رسد که دین بودایی در سرزمین سغد فراگیر شده باشد. آثار باقی‌مانده وجود آیین زردشتی و همچنین شکوفایی آیین‌های محلی را در سغد تأیید می‌کند. با این همه سغد از مراکز بزرگ بودایی ماوراءالنهر، حتی تا دوران اوایل حکومت اسلامی، باقی می‌ماند. واژه‌های دخیل سغدی «بت» و «فرخار» باید میراث آن زمان باشد.

در اواسط قرن سوم میلادی، در زمان سلطنت شاپور اول، به گواهی کتیبهٔ معروف او در کعبهٔ زردشت، سغد قسمتی از امپراتوری ساسانی شد. احتمالاً تا قرن پنجم نفوذ ساسانیان به خصوص در شهرهای غربی آن مانند بخارا کم‌وبیش باقی ماند. احتمال می‌رود که بعد از فتوحات بهرام دوم نیز در سال ۲۸۴ میلادی سغد و خوارزم زیر سلطهٔ ساسانیان قرار گرفته باشد. در این دوره دین مانی و مسیح به این دیار راه یافت و همراه با دین زردشتی و بودایی و آیین‌های محلی و پرستش خدایان کهن، مجموعه‌ای از فرهنگ دوران خویش را متجلی ساخت که همراه با شکوفایی اقتصادی، بنیان‌گذار هنر مخصوص سغدی شد.

قراین باستان‌شناسی و شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد که در سال‌های بین قرن دوم و پنجم میلادی، فرایند شهرنشینی افزایش یافت و همراه با آن شکوفایی اقتصادی و کشاورزی این سرزمین گسترش پیدا کرد. ثابت شده که واژه کشاورزی دخیل از سغدی است؛ همچنین موقعیت جغرافیایی کشور باستانی سغد تأیید می‌شود، اما اتحاد دولت‌شهرها بیشتر از نظر رابطه بازرگانی بود تا به لحاظ سیاسی، و به همین جهت در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خویش، چون بعضی از پادشاهان کوشانی و ساسانی، تاب مقاومت نداشتند. در این دوره سرزمین سغد به دو بخش سغد بخارا و سغد سمرقند تقسیم می‌شد و سکه‌های باقی‌مانده از این ناحیه این نظریه را تأیید می‌کند.

سکه‌های سمرقند با نقش یک نفر تیرانداز ایستاده ضرب شده‌اند که کهن‌ترین نوع آن با واژه‌ای به خط سغدی در یک روی سکه و نام آنتونیوکوس به یونانی در روی دیگر مشخص می‌شود. سکه‌های بخارا که بعداً به بخارخدای ($pw\chi'r\ xwb\ k'w$) معروف می‌شوند در قرون اولیه میلادی، همانند چهار درهمی یونان زمان اونیونوس‌اند و از قرن چهارم به بعد به تقلید سکه‌های ساسانی نقش آتشگاه در یک رو و نقش فرمانروا را در روی دیگر سکه نشان می‌دادند. در سمرقند سکه‌های دوره بعد (قرن ششم و هفتم) بیشتر متأثر از چینی است، چون در این دوره نفوذ فرهنگی و سیاسی چین بر شرق ماوراءالنهر به ویژه شهرهای فرغانه و سمرقند افزایش یافت. در سکه‌های بخارا نفوذ ساسانیان لااقل در سطح فرهنگی پابرجا ماند و ضرب آنها نیز تا دوران اسلامی ادامه یافت. در دوره اسلامی خط عربی را به خط سغدی اضافه کردند، اما واژه سغدی شاه غو ($\gamma w\beta$) بر سکه‌ها باقی ماند.

متأسفانه خط سغدی اثر و نشانی بر سکه‌های دیگر به خصوص در سمرقند نگذاشت. پیدایش سوراخ چهارگوش در میان سکه‌های سمرقند، رد پای نفوذ چینی است. چه، سمرقند بازار واردات کالاهای چینی بود. این کالاها را سغدی‌ان مهاجرنشین در طول جاده ابریشم به سمرقند می‌رساندند و از سمرقند، خوارزمیان آنها را به اروپا منتقل می‌کردند.

مهاجران سغدی که به سوی شرق رهسپار شده بودند در طول راه آسیای مرکزی و دشت‌های شمالی سکنا گزیده بودند و برای برقراری و ثبات و امنیت جاده ابریشم زیر